

# پرواز با اندیشه مولانا شاهنشاه درویشان

سلسله نگارشات درباره زندگی و اندیشه  
مولوی - سخنور نامدار ایرانی  
نویسنده: مهندس همایون ابراهیمی (داروگر)

مخملین مورد بررسی نهاده مینویسد:  
"مولانا لبخندی را که بر لبان شمس میشکفت تصویری از  
جلوه ی نور الهی میپنداشت و غرشهایش را خشم الهی  
می نگاشت. شمس برای او همه چیز بود و در رویارویی خود  
را کوچک و کوچکتر از آنچه که بود میدید"  
از من رگ و جان بریده بادا

گر بی تو رگیم هست هشیار  
عشق مولانا بشمس را هشت صد سال است که  
پژوهشگران سراسر گیتی بررسی میکنند و نتوانسته اند  
شکوهمندی این عشق را بر پهنه کاغذ آورند. چون فراز و  
نشیبهای روز افزون آن دلدادگیها پایانی ندارد، چون  
دریائی است ژرف که از اندرون پر موج و از بیرون آرام و  
دلنواز است:

تو مرا جان و جهانی چه کنم جان و جهان را  
تو مرا گنج روانی چه کنم سود و زیان را  
ز تو هر ذره جهانی ز تو هر قطره جو جانی  
چو ز تو یافت نشانی چه کند نام و نشان را  
بیخود هم در بازار دلدادگی بدنبال عشق مولانا نگردید چون  
این عشق در رده های اندیشه های ما مردمان کوچک و بزرگ  
یافت نمیشود. بسخی دیگر، کوچکتر از آنیم که به آسمان  
سر بفلک کشیده آن اندیشه های ژرف دست یابیم. باید بگونه  
ای پذیریم که اگر شمس، آن درویش بی مانند در زندگی  
مولانا پدیدار نمیشد، جهان دانش و بینش بدست آوردهائی  
چنین شکوهمند و پر بار از زیبا اندیشی دست نمی یافت.  
رندان سلامت میکنند، جان را غلامت میکنند

مستی ز جامت میکنند، مستان سلامت میکنند  
غوغای روحانی نگر، سیلاب طوفانی نگر  
خورشید ربانی نگر، مستان سلامت میکنند  
فراموش نکنیم که مولانا، آیت الله شهر قونیه است که  
فتوا میدهد و هزاران پشتیبان و دوستدار در میان توده ی  
مردم دارد، ولی پس از آمدن شمس به قونیه، همه چیز  
در زندگی اش دگرگون شد. اگر از او میخواستند که فتوا  
دهد به آنها میخندید! چهار صد دانش آموز خود را رها  
میکند و آموزگاری باورهای دینی را کنار میگذارد،  
خشک اندیشان و باورندهای دینی، این دگرگونی ژرف  
را در مولای خود با بدبینی مینگرند. پسر بزرگتر،  
بهاالدین همیشگی چون سایه ای بدنبال پدر دانشمندش  
است و در سخنرانیهای شمس که گاه ده هزار شنونده را  
بهمراه دارد شرکت میکند و آرام آرام باین پیرمرد  
دانشمند و دگراندیش ارادت ژرف پیدا میکند ولی  
علاالدین پسر کوچکتر مولوی که سخت روی به  
دانشهای دینی و باورهای تند و پر خرافات آورده،  
چندان میلی بشنیدن سخنان شمس ندارد و از آمدن به  
سخنرانیها نیز سرپیچی میکند.

((ادامه دارد))

خاموشی بر بازار قونیه پهن شده و مولانای جوان خود را  
در برابر آن پرسش و آن مرد، کوچک میدانند. تا به امروز  
هیچ کس او را به چنین دور اندیشی ژرف نکشانده بود.  
بایزید بسطامی آن درویش پاک سرشت و دگر اندیش،  
چرا خود را به خداوند توانا نزدیک تر میدید تا پیامبر؟  
برداشتها از این پرسش ژرف بسیارند و پس از هشت  
صدسال که از مرگ مولانا و شمس میگذرد، فرهیختگان  
را بخود درنوردیده و پایه های دین را میلرزاند و کس را  
توان پاسخی سنجیده به این پرسش شکفت آور نیست:

صدا بر مردم ای جان، این را بیازمودم  
چون بوی تو بیامد، دیدم که زنده بودم

صدا بر جان بدادم، وز پای درفتماد  
بار دگر بزادم، چون بانگ تو شنوادم  
در دیوان شمس که از شاهکارهای ادبی جهان بشمار  
میآید، نویسنده اش (مولانا جلال الدین بلخی) شمس  
تبریزی را خدای خود میدانند و در وصفش چه زیبا و دل  
نشین سروده:

ای زندگی و تن و توانم همه تو  
تو جان منی، ای دل و جانم همه تو  
تو هستی من شدی، از آئی همه من

من نیست شدم در تو، از آنم همه تو  
زندگی مولانا پس از آشنائی با قلندری فرهیخته و دگر اندیش  
بنام شمس تبریزی از اینرو به آترو میشود. گوئی دوران 38  
ساله زندگی اش را در خواب گذرانده و از هیچ چیز آگاه  
نبوده. هرگاه با شمس روبرو میشود در خود گونه ای  
شرمندگی را میببیند که چون شاگردی نادان رویاروی  
آموزگاری فرهیخته ایستاده و زبانش را از بیان افتاده و چون  
مات شدگان، خاموشی را برگزیده، هرچند که از ماندگاری  
شمس در قونیه میگذرد مهر مولانا به شمس افزوده تر از پیش  
میشود. در او و چهره خشن او گوئی خدا را می بیند.  
دکتر عبدالحسین زرین کوب (استاد دانشگاه تهران) در کتاب  
"پله پله تا ملاقات با خدا" که زندگی مولوی را با قلمی

# شهر شعر

برش و بلخ  
با این خون خوش بشر میتوان شدن؟ از عشق ممکن است  
فارغ ازین ریا و شرر میتوان شدن؟ از عشق ممکن است  
انسان غریق باور و کین و حسادت است بی عشق ممکن است  
از خود برون برقه دگر میتوان شدن؟ از عشق ممکن است  
از دیدتنگ کاخ حسادت با بود بی عشق ممکن است  
با دید باز، همچو سحر میتوان شدن؟ از عشق ممکن است  
هر کوه ممکن است شدن یاور کسی از عشق ممکن است  
همراه خوب و یار سفر میتوان شدن؟ از عشق ممکن است

خواب ناز بودم شبی  
دیدم گسی در می زند  
در را گشودم روی او  
دیدم غم است در می زند  
ای دوستان بی وفا  
از غم بیاموزید وفا  
غم با آن همه بیگانگی  
هر شب به من سر می زند

ماهی شده بود باورش  
تور اگه بندازن سرش  
میشه عروس ماهی ها  
شاه ماهی میشه همسرش  
ماهی باورش نبود  
تور اگه بندازن سرش  
نگاه گرم ماهی گیر  
میشه نگاه آخرش

در این دنیا نکردم من گناهی  
فقط کردم بچشمانت نگاهی  
اگر اینک نگاهی شد گناهی  
مجازاتم بکن هر طور که خواهی  
در این دنیا من او را می پرستم  
هم او را هم خدا را می پرستم  
تمام مردمان یکتا پرستند  
ولیکن من دو تا را می پرستم

## پائیز

زرد است که لبریز حقایق شده است.

تلخ است که با درد موافق شده است

شاعر نشدی و گرنه می فهمیدی:

پائیز بهاری است که عاشق شده است

## ایران

یکی گیتی، یکی یزدان پرستد  
یکی بودا و آن دیگر برهمن  
یکی ذات مسیح ناصری را  
گروهی، پیرو و خشور تازی  
اگر پرسی ز کیش پور داود  
یکی پیدای، یکی پنهان پرستد  
دگر زان موسی چوپان پرستد  
بسان حضرت سبحان پرستد  
حدیث سنت و قرآن پرستد  
جوان پارسی ایران پرستد



مجموعه گزارشات فرهنگی، هنری و اجتماعی ایرانیان به نقل از محافل خبری

## کتاب تازه خانم ویدا لویئیم منتشر شد

از کارهای جالب و استثنائی خانم ویدا لویئیم هر چه بگوئیم کم گفته ایم. کتاب اول ایشان با نام "نوش جان" از جمله کتابهای بسیار موفق در زمینه آشپزی بود که در اسرائیل به چاپهای دوباره و دوباره رسید.

کتاب دوم وی ویژه آشپزی کاشر ایرانی، هم در اسرائیل و هم در آمریکا با استقبال بی نظیر روبرو شد و اینبار خانم ویدا با انتشار کتاب مخصوص "برنج ها" میرود تا شاهرکار دیگری را به علاقمندان به هنر آشپزی تقدیم کرده و افتخار دیگری را برای جامعه ایرانی مقیم اسرائیل به ارمان بیاورند.

خواندن و استفاده از دستورالعمل های این کتاب را به همه خوانندگان مجله پیشنهاد می نمائیم. برای تهیه کتابهای خانم لویئیم با تلفن: 054-4683438 در تماس باشید.

## دی جی "راپ" پرشور، جوان و موفق

جوانان ایرانی در سراسر جهان و در تمامی زمینه ها افتخارآفرینند. در اسرائیل نیز با وجودی که جامعه ما از عدم مدیریت و سازماندهی صالحی رنج میبرد، ولی هستند جوانانی که شجاعانه پا به عرصه هنر نهاده و نه تنها در بین ما ایرانیان بلکه یکروزه در سراسر کشور اسرائیل مطرح و مشهور میگرددند. يك نمونه از این کارها پای گیری و موفقیت غیرقابل تصور گروه تکلیتانی "راپ" (DNR) است که به محض تولد خود، یکباره نامی معتبر در بین دی جی های غول اسرائیلی گردیده است. "راپ" مخفف نامهای رایان و پیام دو جوان پرشور و بسیار هنرمند ایرانی است که بصورت دبل دی جی با جدیدترین و کامل ترین سیستمهای نور و صدا همراه با تازه ترین آهنگهای روز ایرانی، اسرائیلی و خارجی میروند تا تمامی عرصه موزیک جشنهای ایرانیان و دیسکوهای بزرگ را در چنگ خود گیرند.

اگر برای برنامه های خود یک گروه موفق، مجهز، و حرفه ای میخواهید تمامی خواسته های شما در دست گروه راپ میباشد.

## سید کریم اینماه مهمان کاباره میراژ است

کاباره میراژ به محل جدید خود در سالن هملخ سلامون واقع در ناحیه جدید صنعتی ریشون نقل مکان کرده و هر پنجشنبه با برنامه جالب هنری و پذیرائی شامل مفصل ایرانی طبق همیشه در خدمت شماست. خبر جالب دیگر اینکه اولین مهمان محل تازه میراژ هنرمند محبوب و قدیمی ایران "سیدکریم" است و هر هفته با بمب

تازه ای از جوك و قطعات کمدی توام با آهنگهای جاودانی موزیک ایران با صدای دلنشین و رسای خود، شبهای خاطره انگیزی را بوجود میآورد. در ضمن طی این مدت، کسانی که شادی و جشنهای خانوادگی دارند میتوانند از این موقعیت استفاده کرده و از این هنرمند بسیار عزیز برای کامل نمودن شادیهای خود دعوت بعمل آورند.

## گروه گلها فعالیت خود را گسترش میدهد

در ماه گذشته از فعالیت های هنری گروه موسیقی گلها برای شما نوشته بودیم. اینماه با خیر شدیم که گروه گلها درصدد است که فعالیت هنری خود را گسترش داده و بزودی تور سراسری خود را برای شهرهای مختلف کشور آغاز نماید. استاد ساسون منشه رهبر این گروه به مجله شهیاد گفت: هدف اصلی کار ما ارائه هنر زیبای موسیقی ایرانی به دیگر اقوام میباشد. لذا لازم است که این برنامه ها در شهرهای مختلف کشور از شمال تا جنوب برای افرادی که حضور در کنسرت های ما در تل آویو برایشان مقدور نیست، برگزار گردد. از اینرو کار تماس با مسئولین سالنهای مختلف فرهنگی در شهرهای گوناگون اسرائیل را شروع کرده ایم تا بتوانیم کارهای خود را برای همه شهروندان ایرانی و اسرائیلی و هر بار در محل مناسب دیگری اجرا نمائیم. پشتیبانی بخشهای فرهنگی هنری دوایر شهرداری ها و دفاتر دولتی در این راستا بسیار برای موفقیت این گروه لازم میباشد و از اینرو از تمامی ایرانیانی که در این مراکز مشغول بکار بوده و یا دارای سمت های مختلف میباشند، درخواست مینمائیم دست همیاری بسوی گروه گلها دراز نمایند. از موفقیت های این گروه در آینده باز برای شما خواهیم نوشت.

## "دواش" (عسل) در خدمت ایرانیان مقیم بت یام

مژده به ایرانیان عزیز مقیم بت یام. ماه گذشته مغازه ادویه و اغذیه فروشی "دواش" (عسل) بمدریت تالی و امید کهن در شهر بت یام افتتاح گردید. در دیداری که از این مغازه زیبا و لوکس داشتیم تحت تاثیر نظافت، تنوع مواد و اجناس فروشی، قیمت های بسیار مناسب و بالاخره برخورد گرم و دوستانه مسئولین این مکان قرار گرفته و لازم دانستیم خوانندگان عزیز مجله را نیز از این مغازه ایرانی بسیار زیبا آگاه نمائیم. شما عزیزان میتوانید از این مرکز بهترین ادویه جات، خشکبار، آجیل، نوشابه و دیگر مواد متنوع غذائی را تهیه کرده و مشتری دائمی آن گردید.

ضمن آرزوی موفقیت برای صاحبان مغازه "دواش" به تمامی شما عزیزان توصیه می نمائیم نام و محل این مغازه ایرانی (W1T) - خیابان بالفور 104 بت یام را بخاطر بسپارید.